فصلنامه علمی
مطالعات حقوق بشر اسلامی

سیره علوی در مواجهه با مخالفان؛ الگویی برای تضمین حقوق بشر در پرتو عدالت و انصاف

علی محمدیان [۱]، رضا ملازاده یامچی [۲]

۳۸
دوره ۱٤، شماره ۳، پیاپی ۳۸
پاییز ۱٤۰٤
مقاله پژوهشی
تاریخ دریافت:
۱٤۰٤-۰۵-۱۵
تاریخ پذیرش:
۱٤۰٤-۰۹-۱۰
صص: ۵۶-٤۱
شاپا چاپی: ۵۶٤۵-۲۳۲۲
رتبه علمی
ب
بررسی صحت گواهی در :
JOURNALS.MSRT.IR

چکیده

جستار حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و با استناد به منابع معتبر دینی، به واکاوی سیره حقوق بشری امام علی(ع) در مواجهه با مخالفان فکری و عقیدتی می‌پردازد. نوشتار فرارو با استناد به مدارک اصیل و دست‌اول اسلامی، نشان می‌دهد که سیره علوی در فرض مسئله بر سه محور اساسی استوار است: ۱- قاعده زرین اخلاق در تعامل با دیگران؛ ۲- پرهیز از تکفیر و تفسیق مخالفان؛ ۳- توزیع عادلانه بیت‌المال میان موافق و مخالف. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که امام علی(ع) با عمل به مفاد قاعده زرین اخلاق(آنچه برای خود می‌پسندی برای دیگران بپسند)، الگویی منحصر به فرد از تعامل عادلانه با مخالفان ارائه می‌دهد که در آن حفظ کرامت انسانی و پرهیز از تحمیل عقیده، جایگاه ویژه‌ای دارد. همچنین، حضرت(ع) با تعبیر «إخواننا بغوا علینا»، از نسبت دادن شرک و نفاق به مخالفان سیاسی پرهیز کرده و با توزیع مساوی بیت‌المال، عدالت اجتماعی را حتی نسبت به معارضان خود رعایت می‌نمایند. نوآوری نوشتار حاضر در ارائه الگویی نظام‌مند از سیره علوی است که عدالت و انصاف را نه به عنوان مفاهیمی انتزاعی، بلکه به مثابه شاخص‌های عینی در تعامل با مخالفان در نظر می‌گیرد.

کلیدواژه‌ها:

سیره علوی، مخالفان، اعتقادات، عدالت، انصاف.حقوق بشر اسلامی

۱. دانشیار، گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشگاه بزرگمهر قائنات، قائن، ایران
(نویسند مسئول).mohammadian@buqaen.ac.ir
۲. پژوهشگر پسا دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه فردوسی مشهد؛ مشهد، ایران

مقدمه و بیان مسأله

امام علی(ع) به عنوان یکی از شخصیت‌های برجسته تاریخ اسلام، نه تنها به خاطر مقام و منزلت خود در میان مسلمانان جایگاهی ویژه دارند، بلکه به دلیل سیره و رفتاری که در مواجهه با چالش‌های مختلف اجتماعی، سیاسی و فکری از خود نشان دادند نیز مورد توجه و عنایت عمیق متفکران اسلامی قرار دارند. ایشان در دوران پرتنش و پرچالشی زندگی می‌کردند که نه تنها در آن زمان، بلکه در طول تاریخ ا سلام تأثیرات عمیقی بر جای گذا شته ا ست. یکی از جنبه‌های مهم سیره امام علی(ع)، نحوه مواجهه ای شان با مخالفان فکری و عقیدتی ا ست. در دنیای امروز که اختلافات فکری و عقیدتی به شدت احساس می شود و بسیاری از جوامع با چالش‌های نا شی از تفرقه و عدم تفاهم روبرو ه ستند، بازخوانی سیره علوی می‌تواند چراغ راهی برای ایجاد فضایی سالم و سازنده در تبادل اندیشه‌ها باشد. این رویکرد نه تنها به حفظ انسجام جامعه اسلامی کمک می‌کند، بلکه زمینه‌ساز تبادل‌نظر و اندیشه نیز می‌گردد. ایشان با درک عمیق از انسانیت و ا صول اخلاقی، همواره می‌کو شیدند تا با ا ستفاده از منطق و ا ستدلال به ا صلاح اندیشه‌های نادر ست بپردازند. این روش، نه تنها برا ساس تعالیم ا سلامی بلکه بر پایه عقل و منطق ا ستوار بود. تو ضیح آنکه در زمان امام علی(ع)، جامعه اسلامی با چالش‌های متعددی از جمله تفرقه‌های فکری، جنگ‌های داخلی و بحران‌های سیاسی مواجه بود. در این شرایط، ایشان به عنوان رهبری عادل و حکیم، تلاش کردند تا با رویکردی مدبرانه و عاقلانه، به حل این مشکلات بپردازند. یکی از ویژگی‌های بارز سیره ایشان، تأکید بر وحدت اسلامی و پرهیز از تفرقه بود. امام علی(ع) به خوبی می‌دانستند که تفرقه می‌تواند به ضعف جامعه اسلامی منجر شود و به همین دلیل همواره بر ضرورت اتحاد تأکید داشتند.

در همین راستا در نوشتار حاضر کوشیده شده است به بررسی و تحلیل سیره امام علی(ع) در مواجهه با مخالفان فکری و عقیدتی پرداخته شود؛ زیرا از یک سو جامعه امروز با تکثر دیدگاه‌ها و جریان‌های فکری متنوعی روبه‌رو ست که مدیریت صحیح آن، نیازمند الگویی عقلانی، اخلاقی و دینی است؛ و از سوی دیگر، تجربه حکومت امام علی(ع) نشان می‌دهد که آن حضرت با وجود مواجهه با گروه‌های مختلفی از مخالفان، هرگز حق انتقاد و کرامت انسانی را نادیده نگرفت و در عین حال مرزهای امنیت عمومی و عدالت اجتماعی را پاس دا شت. تبیین این سیره، ضمن ارائه راهکارهای متوازن میان مدارا و صلابت، می‌تواند به غنای نظام‌های سیا سی و اجتماعی اسلامی در مواجهه با دگراندیشان یاری رسانده و از افراط و تفریط در رفتار با مخالفان پیشگیری کند. لذا این پژوهش می‌تواند نه تنها به شناخت بهتر شخصیت والای امام علی(ع) کمک کند، بلکه زمینه‌ساز تفکر جدیدی در مواجهه با چالش‌های فکری و عقیدتی معاصر باشد.

در باب پیشینه پژوهش باید گفت موضوع مواجهه با مخالفان فکری و عقیدتی همواره مورد توجه پژوهشگران حوزه دین و اندیشه قرار داشته است که در این بخش صرفاً به برخی از این پژوهش‌ها اشاره می‌شود.

از باب نمونه مرتضوی(۱۳۷۹)، در تتبع خود، با بررسی مبانی مشروعیت حکومت از منظر فرقه‌های اسلامی، اثبات می‌کند که حکومت امام علی(ع) مشروع و قانونی بوده و هرگونه اقدام علیه آن نامشروع به شمار می‌رفته است. وی سپس با تحلیل شورش‌های

صحابه و روش‌های برخورد امام با مخالفان، نشان می‌دهد که آن حضرت حتی در اوج بحران‌های سیاسی نیز هیچ‌گاه از اصول الهی و معیارهای کتاب و سنت عدول نکردند.

شیردل و دیگران(۱۳۹۶)، در پژوهش خود به بررسی سیره امام علی(ع) در برابر اصحاب جمل پرداخته و نشان داده‌اند که حضرت(ع) پیش از هر چیز بر هدایت و گفت‌وگو با مخالفان، تحلیل حرکت آنان و پیشگیری از جنگ‌افروزی تأکید داشته‌اند. در عین حال، امام(ع) با تبیین تهدیدهای مخالفان، اخذ تعهد از آنان، الزام به بیعت و استناد به قرآن و سنت، بر مشروعیت حکومت و ضرورت مقابله با پیمان‌شکنی‌ها تأکید ورزیده‌اند. در پژوهشی دیگر، عباسی(۱۳۹۲)، این نتیجه حاصل شده است که امام علی(ع) در مواجهه با مخالفان فکری، عقیدتی و سیاسی، از شیوه‌ای ویژه در استدلال بهره می‌بردند؛ بدین‌معنا که استدلال‌های خود را بر پایه سخنان، اعتقادات و عملکرد خودِ مخالفان سامان می‌دادند و آنان را با مبانی پذیرفته شده‌شان به چالش می‌کشید. این روش که باعث ناتوانی مخالفان در پاسخ‌گویی می‌شد، در مناظرات و احتجاجات آن حضرت با شخصیت‌هایی چون معاویه، طلحه و زبیر، ابوموسی اشعری، اشعث کندی و حتی در ماجرای سقیفه با مهاجرین و انصار به‌روشنی دیده می‌شود و نشانگر دقت امام در احتجاج منطقی و منصفانه است.

با این حال، آنچه در بسیاری از این مطالعات کمتر مورد توجه قرار گرفته، تحلیل نظام‌مند سیره علوی با محوریت عدالت و انصاف در مواجهه با مخالفان اعتقادی است. پژوهش حاضر با تمرکز بر این دو اصل کلیدی، وجوه تمایز خود را از سایر تحقیقات نشان می‌دهد. نخست آنکه در این مقاله، عدالت و انصاف نه به عنوان مفاهیمی انتزاعی، بلکه به عنوان شاخص‌های عینی در تعامل امام علی(ع) با مخالفان بررسی شده‌اند. این نگاه تحلیلی، امکان بهره‌گیری از سیره علوی را در فضای تعاملات فکری دنیای معاصر فراهم می‌سازد. دومین وجه افتراق این تحقیق، تأکید بر تلفیق منطق استدلالی با رویکرد تربیتی و هدایتی در سیره امام علی(ع) است؛ رویکردی که از یک سو از موضع تحکم و تقابل پرهیز می‌کند و از سوی دیگر، مصالح جامعه اسلامی را با حفظ کرامت انسانی مخالفان در نظر می‌گیرد. نوآوری دیگر این مقاله، توجه همزمان به دو بُعد نظری و عملی در سیره علوی است. از نظر نظری، امام علی(ع) با تکیه بر مبانی عقلی و نقلی، به نقد اندیشه‌های مخالف می‌پردازند و از نظر عملی، با رعایت انصاف در گفت‌وگو و پرهیز از خشونت، الگویی از مدارا در عین استواری عقیدتی را به نمایش می‌گذارند. بدین ترتیب، مقاله حاضر نه تنها گامی در راستای تکمیل پژوهش‌های پیشین محسوب می شود، بلکه با ارائه تحلیلی نظام‌مند و کاربردی، در حد بضاعت خود، الگویی برای مواجهه عادلانه و منصفانه با مخالفان در عرصه‌های مختلف فکری و فرهنگی ارائه می‌دهد.

در اهمیت رجوع به معارف اهل بیت(ع) و خاصه سیره علوی باید اذعان داشت از آنجا که اهل بیت(ع) به منبع وحی دسترسی و اتصال دارند لذا رجوع به سیره و کلام نورانی ایشان از اهمیت بسیاری برخوردار است. از امام رضا(ع) منقول است که فرمودند: «رَحِمَ اللَّهُ عَبْداً أَحْيَا أَمْرَنَا فَقُلْتُ لَهُ فَكَيْفَ يُحْيِي أَمْرَكُمْ قَالَ يَتَعَلَّمُ عُلُومَنَا وَ يُعَلِّمُهَا النَّاسَ فَإِنَّ النَّاسَ لَوْ عَلِمُوا مَحَاسِنَ كَلَامِنَا

لَاتَّبَعُونَا»(صدوق، ۱۴۰۳: ۱۸۰؛ حرعاملی، ۱۴۰۹: ۹۲/۲۷). یعنی خداوند رحمت کند کسی را که امر ما را زنده کند. یعنی علم ما را فراگیرد و به مردم بیاموزد؛ زیرا اگر مردم بر سخنان نیک ما آگاهی پیدا کنند، قطعاً از ما پیروی خواهند کرد.

شایان ذکر است از حیث روش پژوهش، این نوشتار، همچون بسیاری از مطالعات انجام‌شده در حوزه علوم انسانی، بر پایه روش توصیفی-تحلیلی استوار است. در این راستا، با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای، متون روایی و آثار اصیل دینی، داده‌های لازم گردآوری شده و پس از بررسی، تطبیق و دسته‌بندی، به شکلی منسجم به نگارش درآمده است. روش توصیفی-تحلیلی به عنوان رویکردی نظام‌مند، به دنبال واکاوی و تشریح دقیق پدیده‌ها یا شرایط مورد مطالعه است. این روش با ارائه شناختی عمیق از موضوع پژوهش، به درک بهتر مسئله کمک شایانی می‌کند. در پژوهش‌های مرتبط با حوزه اسلامی، پردازش و تحلیل اطلاعات گردآوری شده از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این تحقیق نیز با تمرکز بر میراث اسلامی، به بررسی دقیق موضوع پرداخته و با تفکیک و تنظیم اهداف پژوهش، هر یک از جنبه‌های مسئله را به شکلی ساختارمند ارائه کرده است تا ابعاد مختلف موضوع به طور جامع مورد ارزیابی قرار گیرد.

۲- مفهوم‌شناسی واژگان

۲-۱: مخالف

واژه مخالف از ریشه «خلف» در معنای مخالفت کننده بوده(معلوف، ۱۹۹۶: ۱۵۸) و به اشخاصی گفته می‌شود که راهی جدای از راه فرد معین یا طریق و شیوه‌ای جدای از طریق گروهی خاص را مرتکب شوند(راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۹۴). لفظ مزبور در مکتوبات فقهی امامیه به جمهور عامه اطلاق گشته و فقیهان امامی مذهب از اهل سنت با تعبیر مخالف یاد کرده‌اند. البته فقیهان به طور جداگانه به تعریف این واژه نپرداخته‌اند؛ بلکه چنین تعبیری در میان کلمات ایشان در ابواب مختلف فقهی مشاهده می شود که عمدتاً ناظر به بیان احکام مربوط به اهل سنت است(ن.ک: محقق حلّی، ۱۴۰۸: ۲۰۳/۱؛ بحرانی، ۱۴۰۵: ۱۷۵/۵؛ خمینی، ۱۴۲۱: ۴۲۹/۳؛ صدر، ۱۴۲۱: ۳۱۴/۳؛ خویی، ۱۴۱۸: ۱۵۱/۳).

۲-۲: عدالت و انصاف

مفهوم عدالت در طول تاریخ بشر دچار تغییر و دگرگونی بسیار شده است. این تغییر و تطور مفهومی، زاییده رشد و تعالی انسان و توسعه مفاهیم در فرهنگ‌ها و زبان‌های مختلف بوده است. به عبارت دیگر، اگر چه به لحاظ مبنا، پایه تمامی مفاهیم متعالی، عقل و فهم عقلا می‌باشد، لیکن سیر تطور مفاهیم در فرهنگ‌ها و زبان‌ها براساس سیر تحولات، رشد و توسعه جوامع انسانی امری گریز ناپذیر بوده است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، بحث از عدالت، به خصوص در عرصه‌های سیاسی و اقتصادی و حتی کیفری(حدود، قصاص، دیات و سیستم جزایی) یا به تعبیر جامع‌تر عدالت اجتماعی، اوج بیشتری یافته است.

متفکر شهید مرحوم استاد مطهری معتقد است: «اصل عدالت از مقیاس‌های اسلام است که باید دید چه چیزی بر او منطبق می شود. عدالت در سلسله علل احکام است و نه در سلسله معلولات. نه این‌که آن‌چه دین گفت عدل است؛ بلکه آن‌چه عدل است

دین می‌گوید»(مطهری، ۱۴۰۳: ۱۴). و به تعبیر دیگر: «عدل حاکم بر احکام است و نه تابع احکام؛ عدل اسلامی نیست؛ بلکه اسلام عادلانه است»(ر.ک: مهریزی، ۱۳۷۶: ۱۸۸).

در این‌که بنیان خود عدالت بر چه اساسی استوار است، دو رویکرد وجود دارد. طبق نظر عدلیه در واقع و نفس‌الامر، حق وجود دارد و حق و عدالت امری واقعی است؛ قبل از این‌که دین و شرع دستوری صادر کند؛ بنابراین شرع، احکام خود را مطابق حق و عدل صادر کرده است. در برابر این گروه اشاعره و منکران حسن و قبح عقلی قرار دارند که عدل و ظلم را فاقد حقیقت دانسته و آن را تابع حکم شرع پنداشته‌اند. دیدگاه امامیه را در گروه نخست باید جست؛ بنابراین حتی اگر اسلام به عدل دستور نمی‌داد، باز هم حقیقت بودن آن دگرگون نمی‌شد(ن.ک: فخلعی، ۱۳۹۴: ۱۱۹).

واژه «انصاف» نیز در لغت عربی به معنای دادگری، میانه‌روی، تقسیم عادلانه و رعایت اعتدال است(زبیدی، ۱۴۱۴: ج۲، ص۱۸۷). در اصطلاح، انصاف بیانگر روح عدالت و درستی در روابط انسانی است و به معنای رعایت مساوات در برابر قانون و احترام به حقوق دیگران تعبیر می شود. در قرآن کریم نیز با تأکید بر واژه‌هایی مانند «اقسطوا» و آیه «**إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ**» (حجرات/۹)، اهمیت رعایت عدل و انصاف مورد توجه قرار گرفته است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۲۵۰/۱).

انصاف از جمله فضایل اخلاقی برتر است که در آموزه‌های قرآنی و روایی به عنوان یکی از مصادیق خیر شناخته می شود. این مفهوم، پایه‌گذار جامعه‌ای آرمانی در اسلام است و به همه مسلمانان توصیه شده است. امام علی(ع) در این زمینه می‌فرماید: «عادل‌ترین مردم کسی است که با کسی که به او ستم کرده، با انصاف رفتار کند» (آمدی، ۱۴۱۰: ۴۳۵/۲). بنابراین، فرد منصف هرگز از چارچوب عدالت خارج نمی‌شود، بلکه تلاش می‌کند از حق خود بگذرد و با نگاهی منصفانه به موضوع بنگرد. او خود را جای طرف مقابل می‌گذارد و از خود می‌پرسد: اگر من در آن موقعیت بودم، چگونه دوست داشتم با من رفتار شود؟ از این رو، انصاف به معنای گذشت و بخشش نسبت به حق خود است، نه حق دیگران؛ زیرا هیچ کس مجاز نیست از حق دیگری بگذرد.

۳- گونه‌های مواجهه با مخالفان در سیره علوی

به‌عنوان گام نخست می‌توان گفت یکی از عرصه‌هایی که بیش از هر جای دیگر عدالت در آن در معرض آسیب قرار می‌گیرد، عرصه دشمنی و مخالفت است؛ در حالی‌که اتفاقاً در چنین شرایطی بیشترین نیاز به عدالت وجود دارد. بنابراین، اگرچه نمی‌توان اصل مخالفت با برخی گروه‌ها را نادیده گرفت، اما آنچه وظیفه اصلی به شمار می‌آید پایبندی به عدالت است. قرآن کریم نیز بر همین نکته تأکید کرده و رعایت عدالت در زمان خصومت را لازم دانسته است: «وَ لاَ يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَآنُ قَوْمٍ عَلَى أَلاَّ تَعْدِلُوا؛ اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى» (مائده: ۸).

طبرسی در تفسیر این آیه بر این باور است که خداوند پس از نهی از ترک عدالت، مؤمنان را به رعایت آن امر کرده و در ادامه با بیان «هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى» علت این دستور را آشکار ساخته است؛ به این معنا که عدالت زمینه ساز نزدیکی به تقواست و رعایت آن موجب دقت بیشتر در سلوک تقوایی می‌شود (طبرسی، ۱۳۷۷: ۳۱۶/۱).

برخی از اندیشمندان معاصر نیز دشمنی یادشده در آیه را مطلق دانسته‌اند؛ به این معنا که چه این خصومت در مسائل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی باشد و چه در حوزه‌های دینی، در هر حال رعایت عدالت نسبت به دیگران اصلی مستقل و الزامی است و نباید با باطل آمیخته شود (مصطفوی، ۱۳۸۰: ۳۸۵/۶).

بی‌تردید در میان همه مذاهب الهی و انسان‌های با انصاف جهان، فضیلت و ارزشی بالاتر از عدالت و احسان نیست؛ اسلام که دین انسان‌سازی و جامعه‌سازی و تکامل است؛ این دو خصلت را پس از توحید و اساس دین، در راس ارزش‌ها قرار داده و اهمیت فوق‌العاده‌ای برای آنها قائل است. قرآن می‌فرماید: «ان الله یامر بالعدل و الاحسان»(نحل: ۹۰). خداوند به عدالت و احسان فرمان داده است. امیرمؤمنان علی(ع) فرموده اند: «العدل، الانصاف والاحسان التفضل»(نهج‌البلاغه: حکمت ۲۳۱) عدالت آن است که براساس انصاف، حق مردم به آنها داده شود، ولی احسان آن است که علاوه بر ادای حقوق، به آنها نیکی کنی. عدالت، محوری‌ترین، استوارترین و بنیادی‌ترین مسئله سیاست و حکومت علوی است. در این میان شخصیت بی همتای امام علی(ع)، آن‌چنان با عدالت درآمیخته است که عدالت را تداعی می‌کند. سیره و روش حضرت علی(ع) از سرسپردگی کامل او در برابر فرمان پروردگار نشأت می گرفت و بر پایه اسلام ناب محمدی شکل گرفته بود تا فریاد حق طلبی‌اش را از میان کفر و نفاق به گوش پیروان خویش برساند. شخصیت حضرت علی(ع) در نگاه بزرگان علم و ادب مسلمان همواره مظهری از انسان الگو و نماد واقعی عدالت در مکتب اسلام به شمار آمده است. اندیشمندان غیر مسلمانان نیز او را بسیار ستوده و ارج نهاده‌اند، چنان‌که جرج جرداق مسیحی از ایشان به‌عنوان «صدای عدالت انسانی» یاد کرده است(جرداق، ۱۴۲۶: ۷). در سیره حکومتی امام علی(ع)، سه مؤلفه دین‌داری، عدالت و مردم‌داری بسیار برجسته و از راهبردهای کانونی مدیریت ایشان است. وی در پی استقرار حکومتی مبتنی بر دین و عدالت اجتماعی بودند که در آن مردم با امنیت و برخورداری از حقوق انسانی از زندگانی توأم با کرامت و عزت برخوردار بوده و منزلت انسانی آنها محترم شمرده شود. سیره نظری و عملی آن حضرت(ع) در ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، تربیتی، اخلاقی، عبادی، آیین زندگی و غیره آکنده از رهیافت‌های ارزنده و سازنده‌ای است که شناخت، استخراج و دسته‌بندی این رهیافت‌ها می‌تواند مدلی از برنامه کارآمد و بایسته برای اداره زندگی در دنیای آشفته و متلاطم امروزی در اختیار بشریت قرار دهد به‌ویژه جوامع اسلامی بسیار به این الگوی مدیریتی و سیره ناب علوی نیازمندند.

برای ورود به بحث از گونه‌های مواجهه با مخالفان در سیره علوی، نخست باید به این نکته توجه کرد که جامعه اسلامی در عصر امام علی(ع) با طیف گسترده‌ای از مخالفت‌ها و معارضه‌ها روبه‌رو بود؛ از اعتراض‌های فکری و کلامی گرفته تا مخالفت‌های سیاسی و حتی شورش‌های مسلحانه. آن حضرت در برابر این چالش‌ها، نه رویکردی یکسان و سخت‌گیرانه، بلکه شیوه‌ای متنوع و متناسب با ماهیت و شدت مخالفت‌ها اتخاذ کرد. بدین‌سان، سیره علوی الگویی پویا و چندلایه را به نمایش می‌گذارد که در آن مرز میان مدارا و قاطعیت، هدایت‌گری و برخورد قانونی، و نصیحت و تنبیه به‌خوبی رعایت شده است. بررسی گونه‌های این مواجهه، می‌تواند

چ شم‌اندازی رو شن برای درک عمیق‌تر از عدالت‌ورزی، م صلحت‌اندی شی و پایبندی به ا صول اخلاقی در مدیریت تعارض‌ها ارائه دهد.

۳-۱: عمل به قاعده زرین اخلاق

امام علی(ع) در وصیت خود به امام حسن(ع) بر این امر تأکید می‌ورزد که برای دیگران چیزی را بپسند که برای خود می‌پسندی و برای آن‌ها میپســند چیزی را که برای خود نمی‌پســندی. ظلم مکن، همان‌گونه که دوســت نداری به تو ظلم کنند و نیکویی در پیش گیر، همان‌گونه که دوست داری به تو نیکی شود«یَا بُنَیَّ اجْعَلْ نَفْسَکَ میزَاناً فِیمَا بَیْنَکَ وَ بَیْنَ غَیْرِکَ فَأَحْبِبْ لِغَیْرِکَ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِکَ وَ اکْرَهْ لَهُ مَا تَکْرَهُ لَهَا وَ لَا تَظْلِمْ کَمَا لَاتُحِبُّ أَنْ تُظْلَمَ وَ أَحْسِنْ کَمَا تُحِبُّ أَنْ یُحْسَنَ إِلَیْکَ وَ ا سْتَقْبِحْ مِنْ نَفْسِکَ مَا تَسْتَقْبِحُ مِنْ غَیْرِکَ وَ ارْضَ مِنَ النَّاسِ بِمَا تَرْضَاهُ لَهُمْ مِنْ نَفْسِکَ»(نهج‌البلاغۀ: نامه ۳۱).

در توضیح این سخن باید اشاره کرد که در هر دو حوزه اخلاق عرفی (غیردینی) و متون دینیِ ادیان مختلف، مجموعه‌ای از اصول و قواعد اخلاقی مستقل وجود دارد که به عنوان ا صول بنیادین و قواعد طلایی شناخته می شوند (ناس، ۱۳۷۳: ۳۷۷؛ ا سلامی، ۱۳۸۶: ۲۵). این قواعد بر پایه‌ای فراگیر اســتوارند و بر این مفهوم تأکید دارند که فرد باید با دیگران به گونه‌ای رفتار کند که انتظار دارد در شرایط مشابه، دیگران با او چنین رفتاری داشته باشند. یکی از مشترکات مهم میان ادیان گوناگون، قاعده‌ای است که به «قاعده زرین» (**Golden Rule**) معروف اســت. این قاعده بیان می‌کند: «آنچه برای خود می‌پســندی، برای دیگران نیز بپســند و آنچه برای خود نمی‌پسندی، برای دیگران نیز نپسند»(گنسلر، ۱۳۸۷، ص۲۰۶). به عبارت ساده‌تر، این ا صل اخلاقی جهانی بر این نکته تأکید می‌کند که انسان باید در تعامل با دیگران، رفتاری را پیشه کند که آرزو می‌کند در موقعیت مشابه، دیگران با او داشته باشند.

قاعده زرین به عنوان یک ا صل وجدانی و درونی، نه تنها انگیزه‌ای قوی برای رفتار نیک با همنوعان فراهم می‌کند، بلکه پادزهری مؤثر در برابر خودخواهی‌ها و تعصــبات بی‌جای انســانی اســت. این تعصــبات و خودمحوری‌ها، به ویژه در دنیای امروز، به شــکلی فزاینده در روابط اجتماعی مشــاهده می‌شــود. قاعده زرین با تشــویق به همدلی و درک متقابل، راهکاری اخلاقی برای مقابله با این چالش‌ها ارائه می‌دهد و به افراد یادآوری می‌کند که رفتار عادلانه و منصفانه با دیگران، پایه‌ای ا سا سی برای زندگی اجتماعی سالم و هماهنگ است.

با توجه به مراتب مزبور باید گفت وصیت امام علی(ع) به امام حسن(ع) در نامه ۳۱ نهج‌البلاغه، یکی از مهم‌ترین متون اخلاقی و تربیتی در میراث ا سلامی ا ست که بر پایه ا صل عدالت و انصاف در تعامل با دیگران ا ستوار شده ا ست. این فراز، با تأکید بر قاعده «آنچه برای خود می‌پسندی، برای دیگران نیز بپسند»، نه تنها یک توصیه اخلاقی فردی، بلکه چارچوبی کلیدی برای مواجهه عادلانه با مخالفان فکری و عقیدتی ارائه می‌دهد. بنابراین می‌توان از این رهنمود به عنوان مبنایی نظری و عملی برای تحلیل رفتار امام(ع) استفاده نمود. در ادامه، با تفصیل بیشتری این مسئله بسط داده می‌شود.

توضیح آنکه امام علی(ع) در این وصیت، با بیان قاعده «اَحْبِبْ لِغَیْرِکَ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِکَ»، در واقع اصل «انصاف» را به عنوان سنگ بنای تعامل با دیگران معرفی می‌کند. این اصل، هم در حیطه اخلاق فردی و هم در سطح روابط اجتماعی و سیاسی، کاربرد دارد. در مواجهه با مخالفان اعتقادی، امام(ع) همواره بر پایه این اصل عمل می‌کردند؛ به گونه‌ای که حتی در سخت‌ترین شرایط، از ظلم و تحقیر مخالفان پرهیز داشته و بر استدلال منطقی و احترام متقابل تأکید می‌ورزیدند(علامه حلی، ۱۴۱۰، ج۱، ص۱۴۲؛ میانجی، ۱۴۱۱، ص۲۶؛ موسوی اردبیلی، ۱۴۲۷، ج۲، ص۴۱۳).

برای نمونه، در برخورد با خوارج که از سرسخت‌ترین مخالفان فکری و سیاسی امام بودند، حضرت(ع) با وجود اختلافات عمیق عقیدتی، هرگز به خشونت‌طلبی یا حذف فیزیکی آنان روی نیاورد، بلکه با استدلال و مناظره، تلاش کرد آنان را به راه صحیح هدایت کند(مجلسی، ۱۴۱۰، ج۹۷، ص۳۹؛ مطهری، ۱۳۷۶، ج۲۱، ص۹۰). این رفتار، بازتابی از همان قاعده زرین است که مقرر می‌دارد اگر تو دوست نداری به دلیل عقیده‌ات مورد ظلم قرار بگیری، پس با مخالفان خود نیز چنین رفتاری نداشته باش. این نگاه، در تقابل با رویکردهای افراطی قرار می‌گیرد که مخالفان را مستحق توهین، تکفیر یا حذف می‌دانند.

همچنین یکی از وجوه افتراق سیره‌ی علوی با دیگر روش‌های تعامل با مخالفان، تأکید بر حفظ کرامت انسانی حتی در شرایط اختلاف است. امام(ع) در این وصیت، به امام حسن(ع) یادآور می‌شود که «لَا تَظْلِمْ کَمَا لَا تُحِبُّ أَنْ تُظْلَمَ»، یعنی ظلم نکن، همان‌گونه که دوست نداری به تو ظلم شود. این گزاره، در تعامل با مخالفان اعتقادی به این معناست که حتی اگر فردی در عقیده با تو مخالف است، باز هم به عنوان یک انسان، دارای حقوقی است که نباید نقض شوند.

این اصل در سیره عملی امام علی(ع) به وضوح دیده می شود. برای مثال، در ماجرای اختلاف با معاویه، با وجود آنکه معاویه از نظر سیاسی و اعتقادی در تقابل کامل با امام(ع) قرار داشت، حضرت هرگز حاضر نشد برای رسیدن به اهداف خود، به روش‌های ناعادلانه مانند دروغ، نیرنگ یا کشتار غیرنظامیان متوسل شود(مجلسی، ۱۴۰۴، ج۱۰، ص۳۲۴؛ شیرازی، بی‌تا، ج۱۲، ص۱۷). این رویکرد، برخلاف روش‌های رایج در سیاست‌های قدرت‌محور است که در آن‌ها، حذف مخالفان به هر قیمتی مجاز شمرده می‌شود(ر.ک: عمید زنجانی، ۱۴۲۱، ج۲، ص: ۲۶۷؛ طبسی، ۱۴۲۹، ص: ۲۰۲).

توضیح آنکه از دیدگاه امام علی(ع)، شیوه‌ای که در آن، هدف وسیله را توجیه کند، نادرست و مذموم است. سیره ایشان نشان می‌دهد حضرت(ع) معتقد بودند هیچ مصلحتی، اجازه نمی‌دهد از اصول اخلاقی و دستورات دینی عدول شود. برای امام علی(ع)، حکومت و قدرت فقط زمانی ارزشمند به شمار می‌رفت که براساس عدالت، تقوا و حق اداره شود. بنابراین حتی در مواجهه با دشمن هم هرگز از کارهای خلاف شرع یا بی‌انصافی برای رسیدن به هدف استفاده نمی‌کردند و پایبندی به کتاب، سنت و عدالت را بر هر مصلحت کوتاه‌مدتی ترجیح می‌دادند.

نکته دیگر آنکه امام علی(ع) در ادامه همین وصیت می‌فرماید: «وَ ارْضَ مِنَ النَّاسِ بِمَا تَرْضَاهُ لَهُمْ مِنْ نَفْسِکَ»، یعنی از دیگران آن‌چیزی را بپذیر که برای خود می‌پسندی. این جمله، در بستر تعامل با مخالفان اعتقادی، به معنای پذیرش حق‌اختلاف و پرهیز از

تحمیل عقیده اســت. امام(ع) در طول حکومت خود، هرگز به اجبار عقیده‌ای را بر مردم تحمیل نکرد، بلکه همواره از راه گفت‌وگو و استدلال، به هدایت پرداخت. این نگرش، با مفهوم وحدت اسلامی کاملاً همسو است. امام(ع) می‌دانست که جامعه اسلامی تنها در سایه انصاف و عدالت می‌تواند پایدار بماند، نه با سرکوب و تحمیل. از همین رو، حتی در برابر کسانی که به لحاظ فکری از او فاصله داشتند، با مدارا رفتار می‌کرد، مگر آن‌که اقدام به آشوب و فتنه‌گری کنند. این روش، امروزه نیز می‌تواند به عنوان الگویی برای تقریب مذاهب و کاهش تنش‌های فرقه‌ای مورد استفاده قرار گیرد.

شــایان توجه آنکه در مقایســه با ســایر مکاتب فکری و دینی، قاعده زرینِ مطرح‌شــده در وصــیت امام علی(ع)، از دو ویژگی منحصربه‌فرد برخوردار است. نخست؛ جامعیت که برخلاف برخی رویکردهای صرفاً عرفانی یا فلسفی که قاعده زرین را تنها در حیطه اخلاق فردی مطرح می‌کنند، امام(ع) آن را به سطح روابط سیاسی و اجتماعی تعمیم می‌دهند. دوم؛ تلفیق عدالت و مهرورزی؛ زیرا در حالی که برخی مکاتب، عدالت را خشک و بدون توجه به احساسات انسانی تعریف می‌کنند، سیره علوی نشان می‌دهد که می‌توان هم عادل بود و هم منصف و همزمان با مخالفان با احترام رفتار کرد.

بنابراین در دنیای امروز که در جوامع چندفرهنگی، نیاز به الگویی برای تعامل مســالمت‌آمیز با مخالفان بیش از پیش احســاس می‌شود. قاعده زرین علوی می‌تواند راهکاری عملی برای کاهش تنش‌های عقیدتی باشد. برای مثال، در مناقشات میان فرق اسلامی، به جای تکفیر و طرد، می‌توان از این اصل استفاده کرد که: «اگر تو دوست نداری گروهت متهم به کفر شود، پس دیگران را نیز به کفر متهم نکن». یا در عرصه بین‌الادیانی، این اصل می‌تواند مبنایی برای گفت‌وگوی ادیان قرار گیرد.

در جمع‌بندی مطلب می‌توان اظهار داشــت وصــیت امام علی(ع) به امام حســن(ع)، با محوریت قاعده زرین، نه تنها یک دســتور اخلاقی، بلکه چارچوبی جامع برای مواجهه عادلانه و انســانی با مخالفان فکری و عقیدتی ارائه می‌دهد. این اصــل، در ســیره عملی امام(ع) به صورت رعایت حقوق مخالفان، پرهیز از ظلم، تأکید بر استدلال و حفظ وحدت اسلامی تجلی یافته است.

۳-۲: عدم اتصاف مخالفان به کفر و فسق

در ســیره امام علی(ع) حتی در مورد باغیان و شــورشــیانی که بر علیه حاکم معصــوم قیام کرده‌اند نیز برخورد از روی عدالت و انصاف مشاهده می شود. صاحب وسائل الشیعه از قرب الاسناد به سند خود از مسعده بن زیاد، از امام صادق (ع) و ایشان از پدرش(ع) روایت نموده است که حضرت فرمودند: «أنَّ عَلِيّاً(ع) لَمْ يَكُنْ يَنْسُبُ أحَداً مِنْ أهْلِ حَرْبِهِ إلَى الشِّرْكِ وَ لَا إلَى النِّفَاقِ وَ لَكِنَّهُ كَانَ يَقُولُ هُمْ إخْوَانُنَا بَغَوْا عَلَيْنَا». علی(ع) هیچ یک از کســانی را که با او می‌جنگیدند متهم به شــرک و نفاق نمی‌کرد و درباره آنان می‌گفت: «آنان برادران ما هســتند که بر علیه ما دســت به تجاوز و نافرمانی زده‌اند!»(حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ۸۳/۱۵؛ حمیری، ۱۴۰۶: ۹۴). مرحوم منتظری در کتاب «نظام الحکم فی الاســلام» پس از بیان روایت مذکور چنین می‌نگارد: «بنگر به ســعه صــدر امیرالمؤمنین، و

اینکه حضرت چگونه با مخالفان و کسانی که با وی به جنگ برخواسته‌اند برخورد می‌نماید، و راجع به ایشان با عفو و خوش‌رویی و عبارات نیکو سخن می‌گوید(منتظری، ۱۴۱۷: ۴۰۹).[۱]

در توضیح این موضوع باید گفت که پرهیز از تکفیر و تفسیق نابجای مسلمانان، یکی از ضروری‌ترین اصول در پذیرش اختلاف‌نظرها، تنوع برداشت‌ها و اجتهادهای مبتنی بر ضوابط است؛ البته به شرطی که این اختلاف‌ها از چارچوب دین و مشترکات دینی خارج نشوند. پدیده تکفیر و تفسیق، معمولاً ریشه در تنگ‌نظری، بدبینی، تفکر مطلق‌گرایانه و ناآگاهی از باورها و مبانی فکری دیگران دارد و بیشترین آسیب را به جامعه و فرهنگ اسلامی وارد کرده است. بسیاری از درگیری‌های خونین فرقه‌ای، کشتار و زندانی کردن اندیشمندان، و نیز نابودی آثار فکری ارزشمند، نتیجه چنین رویه‌هایی بوده و متأسفانه این روند تا به امروز ادامه دارد.

خوارج به عنوان یکی از نخستین گروه‌هایی که بر پایه «تکفیر» شکل گرفتند، نمونه بارزی از این پدیده هستند. آن‌ها با تکفیر دیگران، به عنوان یک فرقه رسمی فعالیت خود را آغاز کردند و این روش همچنان در میان گروه‌های سیاسی، کلامی و فقهی مختلف ادامه دارد(ر.ک: ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴، ج۸، ص۱۱۳؛ شهرستانی، ۱۴۱۵، ج۱، ص۱۲۲).

در نقطه مقابل، امامان شیعه همواره می‌کوشیدند تا از گسترش تنگ‌نظری و بدبینی نسبت به مخالفان جلوگیری کنند. آن‌ها همواره پیروان خود را از خودخواهی و استبداد در رأی برحذر می‌داشتند و بر ضرورت رفتار مسالمت‌آمیز و برادرانه با مخالفان مذهبی تأکید می‌کردند. از جمله اقدامات مهم آن‌ها، ارائه تفسیری گسترده از مفهوم «مؤمن» و ایمان نجات‌بخش بود. آن‌ها با سخت‌گیری در شرایط تکفیر و جلوگیری از اتهام‌زنی به مخالفان مذهبی، کوشیدند تا دایره مسلمانی و ایمان را وسیع‌تر از آنچه برخی گروه‌ها تعریف

---

۱ روایت نقل‌شده درباره رفتار امام علی(ع) با مخالفان و شورشیان، گواهی روشن بر عمق عدالت و انصاف در سیره علوی است. این روایت نشان می‌دهد که حتی در اوج منازعات سیاسی و نظامی، امام(ع) از نسبت‌دادنِ اتهامات سنگینی مانند شرک و نفاق به مخالفان خودداری می‌کرد و آنان را برادرانی می‌خواند که راه نافرمانی پیش گرفته‌اند. این نگرش، فراتر از یک سیاست گذرا، بیانگر جهان‌بینی عمیقی است که در آن، حفظ کرامت انسانی و پرهیز از دشمن‌تراشی، اصل اساسی محسوب می‌شود. در این روایت، امام(ع) با کاربست زبانی مسالمت‌آمیز و پرهیز از تکفیر، نشان می‌دهد که اختلافات سیاسی یا حتی شورش‌های مسلحانه نباید مستمسکی برای نادیده گرفتن حقوق اولیه انسان‌ها شود. این همان اصل انصاف است که بر آن تأکید شده است. امام(ع) به جای آنکه مخالفان خود را با عناوین تکفیری طرد کند، با عبارت «إِخْوَانُنَا بَغَوْا عَلَيْنَا»(برادران ما که بر ما شوریده‌اند)، ضمن شناسایی حق آنان به انتخاب مسیر مخالف، خط قرمزی را در اخلاق سیاسی ترسیم می‌کند و آن اینکه حتی در جنگ نیز نباید حقیقت و اخلاق را قربانی پیروزی‌های موقت کرد. این نگاه، در تقابل کامل با روش‌های رایج در تاریخ سیاسی اسلام قرار دارد که در آن، مخالفان را به بهانه‌های عقیدتی از دایره اسلام خارج می‌کردند. مرحوم منتظری با اشاره به «سعه صدر» امام(ع)، به این جنبه الگویی سیره علوی اشاره می‌کند. این سعه صدر، صرفاً یک فضیلت اخلاقی نیست، بلکه استراتژی حکمرانی عادلانه است که می‌تواند جامعه را از فروپاشی درونی نجات دهد. در واقع، امام(ع) با این رفتار، نشان می‌دهد که وحدت اسلامی نه به معنای نفی اختلاف‌نظرها، بلکه به معنای مدیریت عادلانه آنهاست. این همان نکته کلیدی است که پژوهش حاضر تلاش می‌کند آن را پررنگ کند. یعنی سیره علوی به ما می‌آموزد که می‌توان بدون تکفیر و خشونت، با مخالفان تعامل کرد و در عین حفظ اصول، از تفرقه جلوگیری نمود. در توضیح این موضوع، باید به آسیب‌های پدیده تکفیر در تاریخ اسلام توجه کرد. خوارج، به عنوان نمونه بارز گروه‌های تکفیری، نه تنها باعث تفرقه شدند، بلکه با افراط‌گرایی خود، پایه‌های اخلاقی جامعه را تضعیف کردند. در مقابل، امام علی(ع) با وجود آنکه مستحق‌ترین فرد به حکومت بود، هرگز مخالفان خود را تکفیر نکرد. این رفتار، برگرفته از درک عمیق حضرت از عدالت بود؛ عدالتی که حتی دشمنان نیز از آن محروم نمی‌ماندند. این نگاه، امروزه می‌تواند پاسخگوی چالش‌های جهان اسلام در مواجهه با جریان‌های تندرو باشد. امامان شیعه نیز با الهام از سیره علوی، همواره از توسعه دایره ایمان و پرهیز از تکفیر دفاع کرده‌اند. این روش، نه تنها مانع از تبدیل اختلافات فقهی به بحران‌های خونین می‌شد، بلکه فضایی برای گفت‌وگو و تعامل فراهم می‌کرد. نکته دیگری که این روایت بر آن تأکید دارد، زبان تعامل است. امام(ع) به جای استفاده از واژگان تحریک‌آمیز، مخالفان را «برادر» خطاب می‌کند. این انتخاب زبانی، بخشی از راهبرد کلان ایشان برای کاهش خشونت و تقریب دل‌هاست. این نکته ظریف می‌تواند به عنوان شاهدی بر الگوی ارتباطی امام(ع) با مخالفان مورد تحلیل قرار گیرد؛ الگویی که در آن، احترام متقابل حتی در شرایط نبرد حفظ می‌شود. به این ترتیب، روایت مورد بحث، تنها یک گزاره تاریخی نیست، بلکه آیینه‌ای است که از طریق آن می‌توان اصول حاکم بر سیره علوی در مواجهه با مخالفان را بازخوانی کرد. این اصول، امروزه می‌توانند به عنوان معیاری برای سنجش رفتارهای سیاسی و اجتماعی در جهان اسلام قرار گیرند و الهام‌بخش رویکردهایی باشند که عدالت و انصاف را بر کینه‌توزی و حذف مخالفان ترجیح می‌دهند.

می‌کردند، در نظر بگیرند. از باب نمونه در روایتی آمده است: «**مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ رَمَى مُؤْمِناً بِكُفْرٍ**»(حر عاملی، ۱۴۰۹، ج۱۶، ص ۲۸۰؛ بروجردی، ۱۴۲۹، ج۲۲، ص۵۴۲).

سیره و سخنان امامان شیعه نشان می‌دهد که اگرچه جایگاه افراد در ایمان، تقرب به خدا و منزلت معنوی یکسان نیست، اما آن‌ها عنوان مسلمانی را به مخالفان مذهبی تعمیم می‌دادند. این در حالی بود که در عصر آن‌ها، گاهی مسائل حاشیه‌ای مانند پذیرش داوری دیگران، بحث‌های مربوط به حدوث و قدم قرآن، یا پرسش‌های اعتقادی، به‌راحتی به اتهام کفر منجر می‌شد(بغدادی، ۱۴۰۱، ج۱، ص۷۰).

۳-۳: توزیع یکسان بیت‌المال بین موافق و مخالف

بیت‌المال به عنوان یکی از نهادهای مهم اقتصادی اسلام، نقش مهمی در اقتصاد بخش عمومی بر عهده دارد و توزیع عادلانه آن می‌تواند باعث ایجاد تحرک و نشاط اقتصادی با رهاورد توازن، رفاه عمومی و تأمین اجتماعی در همه بخش‌ها و اقشار جامعه گردد. متاسفانه پس از وفات پیامبر، بدعتهای ایجاد شده در حوزه سیاست، اقتصاد و فرهنگ، آسیب‌های سخت بر جامعه اسلامی وارده کرده بود و عملکردهای نادرست، جامعه اسلامی را به سمت و سوی ظلم و بی‌عدالتی کشانده بود و در اثر آن فاصله طبقاتی و اشرافیت در جامعه به وجود آمده بود(دلشاد تهرانی و حامی، ۱۳۹۵: ۱۹-۲۰). از باب نمونه پیش از حکومت امام علی(ع) ثروت‌ها و دارایی‌های اسلامی حیف و میل می‌شدند و افراد خاص از آنها بهره‌مند می‌گردیدند و از عدالت هیچ‌گونه اثری باقی نمانده بود. عموم مردم از مزایایی که حقّ مشروع خود بود، محروم بودند و در ناراحتی و رنج به سر می‌بردند. در آن دوران، در نظام سیاسی و دستگاه حاکمه انحرافات بسیاری در شئون مختلف جوامع وسیع اسلامی به وجود آمد و در امور مالی و مصرف درآمدها و در عزل و نصب فرمانداران، استانداران، قضات و در نظام اداری سازمان‌های حکومتی و طرز رفتار کارگزاران با مردم تعدّیات و تبعیضات زیاده از حد بود، که قاطبه مردم را بر ضدّ دستگاه حاکمه برمی‌انگیخت(اجتهادی، ۱۳۶۳: ۱۱۱). چنین شرایطی باعث شد که حضرت علی(ع) با هدف اصلاح اشتباهات و مقابله با انحرافات، شیوه مدیریتی خاصی را در جامعه و به ویژه در موضوع تقسیم بیت‌المال پیش گیرند.

امام علی(ع) در مدیریت بیت‌المال رویکردی کاملاً دین‌مدارانه و عدالت‌محور داشتند. ایشان پس از تقسیم عادلانه اموال بیت‌المال، محل آن را جارو می‌کرد و در آنجا دو رکعت نماز می‌خواند و سپس خطاب به بیت‌المال می‌فرمود: «در روز قیامت برایم گواهی ده که من در تو، مال مسلمانان را حبس نکردم»(بلاذری، ۱۴۱۷: ۱۳۳/۲). این رفتار نشان‌دهنده مسئولیت‌پذیری و تقوای ایشان در قبال اموال عمومی است. امام علی(ع) همچنین تأکید می‌کرد که این اموال نه از آن اوست و نه از آن دیگران، بلکه متعلق به همه مسلمانان است(ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴: ۱۱/۱۳). ایشان با این بیان، مالکیت شخصی بر اموال عمومی را نفی کرده و بر این نکته تأکید داشتند که حاکم حق تصرف خودسرانه در این اموال را ندارد.

امام علی(ع) در برابر کسانی مانند طلحه و زبیر که به تقسیم مساوی بیت‌المال اعتراض می‌کردند، سنت پیامبر(ص) را یادآور می‌شدند که بر پایه تساوی و عدالت استوار بود(ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴، ۳۵/۷). ایشان بر این اصل پایدار ماندند و حاضر نبودند برای

جلب رضایت افراد قدرتمند یا حفظ موقعیت خود، از عدالت عدول کنند. حتی زمانی که یاران نزدیک و فداکار ایشان به حضرت(ع) پیشنهاد دادند که برای جلوگیری از شورش سران قوم، به آن‌ها امتیازات ویژه بدهد یا برخی فرمانروایان ناشایست را در مناصب خود نگه دارد، امام(ع) با قاطعیت پاسخ دادند: «آیا به من دستور می‌دهید به کسانی که تحت فرمانروایی من هستند ستم کنم تا یارانی گرد آورم؟ به خدا سوگند، تا دنیا وجود دارد و تا ستاره‌ای دنبال ستاره دیگر حرکت می‌کند، این کار را نخواهم کرد. اگر مال از آن خودم بود، آن را به طور مساوی تقسیم می‌کردم، چه رسد به اینکه مال، مال خداست»(ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴، ۱۰۹/۸).

امام علی(ع) در ادامه این سخن، به پیامدهای منفی بخشش‌های نابجا و ناروا اشاره می‌کنند و می‌فرمایند: «بخشیدن مال در جای ناروا، اسراف و تبذیر است. اینگونه بخشش، بخشنده را در دنیا بالا می‌برد، اما در روز قیامت پایین می‌کشاند. در نزد مردم او را محترم می‌کند، اما در پیش خدا خوار می‌گرداند. کسی که مال خود را در جای نادرست و نزد نااهلان قرار دهد، خداوند شکر آن مال را بر او حرام می‌کند. این بخشش‌های نابجا، در دل مردم دوستی می‌آفریند، اما اگر روزی پیش آمد و به یاری آن‌ها نیازمند شد، آن‌ها بدترین و سرزنش‌کننده‌ترین یاران خواهند بود»(ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴، ۱۰۹/۸).

این رویکرد امام علی(ع) نشان‌دهنده تعهد ایشان به عدالت، تقوا و مسئولیت‌پذیری در قبال اموال عمومی است. ایشان نه تنها از هرگونه تبعیض و ستم در تقسیم بیت‌المال پرهیز می‌کردند، بلکه همواره بر رعایت حقوق همه مسلمانان، به ویژه محرومان و ضعفا، تأکید داشتند. این شیوه مدیریت، الگویی ماندگار برای حاکمان و مسئولان در تمامی اعصار است.

بنابراین سیاست توزیع بیت‌المال در حکومت امام علی(ع) یکی از بارزترین جلوه‌گاه‌های عدالت و انصاف در سیره سیاسی ایشان محسوب می‌شود. امام(ع) با اجرای اصل مساوات در تقسیم ثروت عمومی، نه تنها موافقان و یاران خود، بلکه حتی مخالفان سرسخت و معترضان را نیز در بهره‌مندی از بیت‌المال شریک می‌کرد. این رویکرد، فراتر از یک اقدام اقتصادی، بیانگر نگرشی عمیق به حقوق شهروندی و کرامت انسانی بود که در پژوهش حاضر، به عنوان بخشی از الگوی تعامل با مخالفان فکری و عقیدتی قابل تحلیل است. امام علی(ع) در دوران حکومت خود، با وجود مخالفت‌های گسترده از سوی گروه‌هایی مانند معاویه، خوارج و حتی برخی از نزدیکان، هرگز امتیازات مالی را به ابزاری برای جلب حمایت سیاسی تبدیل نکرد. در نگاه ایشان، مخالفان عقیدتی و سیاسی، تا زمانی که دست به شورش نزده بودند، همچون دیگر شهروندان حق بهره‌مندی از مواهب عمومی را داشتند. توزیع عادلانه بیت‌المال، نمونه‌ای عینی از انصاف در عمل است که در آن، اختلاف نظرهای سیاسی و اعتقادی، موجب محرومیت افراد از حقوق اساسی‌شان نمی‌شود.

یکی از ابعاد مهم این سیاست، نقش آن در حفظ انسجام اجتماعی بود. امام علی(ع) می‌دانست که تبعیض در تقسیم ثروت عمومی، نه تنها به شکاف طبقاتی دامن می‌زند، بلکه خشم گروه‌های محروم را به شورش‌های گسترده تبدیل می‌کند. ایشان با رفتار عادلانه، حتی مخالفان را نیز به رسمیت می شناخت و از این راه، مانع تبدیل اختلافات فکری به بحران‌های امنیتی می شد. برای مثال، هنگامی که امام(ع) حتی به مخالفانی مانند طلحه و زبیر که بعدها در جنگ جمل علیه او شوریدند، سهمی برابر از بیت‌المال می‌داد،

در واقع نشان می‌داد که اختلاف سیاسی نباید به محرومیت اقتصادی بینجامد. این رفتار، در تقابل کامل با روش حاکمانی قرار داشت که با اعطای امتیازات مالی به هواداران خود، مخالفان را تحت فشـــار قرار می‌دادند. چنین رویکردی، امروزه نیز می‌تواند به عنوان الگویی برای حکومت‌های اســـلامی مطرح شـــود؛ به ویژه در جوامعی که اختلافات مذهبی و فرقه‌ای به بهانه‌ای برای محرومیت گروه‌های مخالف تبدیل شده‌است.

نکته دیگری که این سیاست را به پژوهش حاضر مرتبط می سازد، پرهیز از ابزار سازی اعتقادات برای توجیه تبعیض است. در دوران معاصـر، برخی حکومت‌ها با برچسـب‌زنی به مخالفان به عنوان مرتد، منحرف، یا دشـمن دین، حقوق اقتصـادی آنان را نقض می‌کنند. اما امام علی(ع) با وجود آنکه مخالفانش گاه او را کافر می‌خواندند(مانند خوارج)، هرگز از این برچسب‌ها برای محروم کردن آنان از بیت‌المال استفاده نکرد. این نشان می‌دهد که در سیره علوی، حتی اگر فردی در عقیده انحراف دارد، تا زمانی که به خشونت متوسل نشده، حق او به عنوان یک شهروند محفوظ است.

در مقایسه با بسیاری از حکومت‌های تاریخی و معاصر، سیره امام علی(ع) در توزیع بیت‌المال، وجوه افتراق آشکاری دارد. برخی حکومت‌ها از ســیاســت‌های مالی به عنوان ابزاری برای تنبیه مخالفان اســتفاده می‌کنند، اما امام(ع) عدالت را حتی بر مصــلحت‌های سیاسی ترجیح داد. امروزه، در بسیاری از کشورهای اسلامی، اقلیت‌های مذهبی یا گروه‌های مخالف، از حقوق اقتصادی محروم می‌شوند. سیره امام علی(ع) ثابت می‌کند که می‌توان بدون چشم‌پوشی از اصول اعتقادی، فضایی عادلانه برای همزیستی مسالمت‌آمیز ایجاد کرد. این نگاه، می‌تواند به عنوان راهکاری برای کاهش تنش‌های فرقه‌ای در جهان اسلام مطرح شود.

در جمع‌بندی مطلب می‌توان اظهار داشت که توزیع عادلانه بیت‌المال در سیره امام علی(ع)، صرفاً یک اقدام اقتصادی نبود، بلکه بازتابی از جهان‌بینی‌ای بود که در آن، عدالت و انصاف، حتی در برابر مخالفان، اصل اساسی محسوب می‌شد. لذا این نگاه، نه تنها در حوزه اقتصاد، بلکه در همه عرصه‌های تعامل با مخالفان فکری و عقیدتی قابل تعمیم است و می‌تواند به عنوان الگویی برای جوامع امروزی مورد توجه قرار گیرد.

نتیجه‌گیری

مطابق آنچه گذشت مقاله حاضر با تمرکز بر سیره حقوق بشری امام علی(ع) در مواجهه با مخالفان فکری و عقیدتی، به بررسی روش‌ها و رویکردهای ایشان در این زمینه پرداخته است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که امام علی(ع) به عنوان یک شخصیت برجسته و الگوی اخلاقی در تاریخ اسلام، همواره بر اصولی چون انصاف، عدالت و منطق تأکید داشته و در پی ایجاد فضایی برای گفت‌وگو و تبادل نظر در جامعه اسلامی بوده است. امام علی(ع) به جای مقابله با مخالفان به شیوه‌ای خشونت‌آمیز یا سرکوب‌گر، از ابزار منطق و استدلال بهره می‌بردند و سعی می‌کردند تا با ارائه دلایل منطقی و مستند، نظر مخالفان را تغییر دهند. این رویکرد نه تنها به حفظ وحدت اسلامی کمک کرده بلکه زمینه‌ساز ایجاد فضایی سالم برای بحث و تبادل نظر در میان مسلمانان بوده است. علاوه بر این، امام علی(ع) همواره به اهمیت پرهیز از تفرقه و حفظ انسجام جامعه اسلامی تأکید داشتند. این نکته به ویژه در دنیای معاصر که

با چالش‌های فکری و عقیدتی متعددی روبرو هستیم، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. سیره ایشان به ما یادآوری می‌کند که گفتگو و تعامل سازنده می‌تواند به جای تقابل و تنش، راه‌حل‌های مؤثری برای مسائل پیچیده ارائه دهد. در نهایت، می‌توان نتیجه گرفت که سیره امام علی(ع) نه تنها یک الگوی تاریخی بلکه یک منبع الهام‌بخش برای مواجهه با چالش‌های فکری و عقیدتی در دنیای امروز است. با توجه به تنوع اندیشه‌ها و عقاید موجود در جامعه معاصر، استفاده از رویکردهای ایشان می‌تواند به ایجاد فضایی مثبت برای گفت‌وگو و تعامل سازنده کمک کند و در نهایت به تقویت وحدت اسلامی و انسجام اجتماعی منجر شود. لذا، شناخت و بازخوانی سیره علوی در این زمینه می‌تواند به عنوان یک ضرورت در راستای ارتقاء فرهنگ گفت‌وگو و همزیستی مسالمت‌آمیز در جوامع مختلف مورد توجه قرار گیرد.

فهرست منابع،

قرآن کریم.

نهج‌البلاغه.

۱-آمدی، عبدالواحد بن محمد. (۱۴۱۰ق). غرر الحکم و درر الکلم. قم: دارالکتاب الاسلامی.

۲-ابن ابی‌الحدید، عبدالحمید. (۱۴۰۴ق). شرح نهج‌البلاغه. قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.

۳-ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق). لسان العرب. بیروت: دارالفکر.

۴-اجتهادی، ابوالقاسم. (۱۳۶۳ش). بررسی وضع مالی و مالیه مسلمین از آغاز تا پایان دوران اموی. تهران: سروش.

۵-اسلامی، سید حسن. (۱۳۸۶ش). قاعده زرین در حدیث و اخلاق. فصلنامه علوم حدیث. ۱۲(۴۶-۴۵)، ۵-۳۳.

۶-بحرانی، یوسف. (۱۴۰۵ق). الحدائق الناضرة فی أحکام العترة الطاهرة. نجف: دارالکتب الإسلامیة.

۷-بروجردی، آقا حسین طباطبایی. (۱۴۲۹ق). جامع أحادیث الشیعة. تهران: انتشارات فرهنگ سبز.

۸-بغدادی، عبدالقاهر بن طاهر. (۱۴۰۱ق). أصول‌الدین. بیروت: دار صادر.

۹-بلاذری، احمد بن یحیی. (۱۴۱۷ق). أنساب الأشراف. بیروت: دارالفکر.

۱۰- جرداق، جورج. (۱۴۲۶ق). الإمام علی صوت العدالة الإنسانیة. قم: مجمع العالمی لأهل البیت علیهم‌السلام.

۱۱- حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعه. قم: مؤسسه آل البیت.

۱۲- حمیری، عبدالله بن جعفر. (۱۴۱۳ق). قرب الإسناد. قم: مؤسسه آل البیت.

۱۳- خمینی، روح‌الله. (۱۴۲۱ق). کتاب الطهارة. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).

۱۴- خویی، ابوالقاسم. (۱۴۱۸ق). فقه الشیعه: کتاب الطهاره. قم: مؤسسه آفاق.

۱۵- دلشاد تهرانی، مصطفی؛ حامی، مژگان. (۱۳۹۵). آسیب‌شناسی عملکرد خلفا بر اخلاق اجتماعی مسلمین با تکیه بر نهج‌البلاغه. پژوهش‌های نهج‌البلاغه، ۱۵(۲)، ۷-۲۲.

۱۶- راغب اصفهانی، حسین. (۱۴۱۲ق). مفردات الفاظ قرآن. بیروت: دارالقلم.

۱۷- زبیدی، سید محمد مرتضی. (۱۴۱۴ق). تاج العروس من جواهر القاموس. بیروت: دارالفکر.

۱۸- شهرستانی، محمد بن عبدالکریم. (۱۴۱۵ق). الملل و النحل. بیروت: دارالمعرفة.

۱۹- شیرازی، سید محمد حسینی. (بی‌تا). الأسئلة و الأجوبة - اثنا عشر رسالة. بی‌جا: بی‌نا.

۲۰- شیردل، معصومه و دیگران (۱۳۹۶). رفتارشناسی امام علی(علیه‌السلام) با اولین مخالفان داخلی حکومت اسلامی. پژوهش‌نامه علوی. ۸(۲)، ۴۵-۷۰.

۲۱- صدر، سید محمدباقر. (۱۴۲۱ق). بحوث فی شرح العروة الوثقی. قم: مرکز الأبحاث والدراسات التخصصیة للشهید الصدر.

۲۲- صدوق، محمد بن علی. (۱۴۰۳ق). معانی الأخبار. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

۲۳- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۷ش). مجمع‌البیان. تهران: ناصر خسرو.

۲۴- طبسی، نجم‌الدین. (۱۴۲۹ق). روزه عاشورا سنتی نبوی یا بدعتی اموی. قم: دلیل ما.

۲۵- عباسی، علی‌اکبر (۱۳۹۲). سبک استدلال‌های امام علی علیه مخالفان در نهج‌البلاغه. شیعه شناسی. ۱۱(۴۴)، ۲۳۳-۲۴۶.

۲۶- علامه حلی، حسن بن یوسف. (۱۴۱۰ق). إرشاد الأذهان إلی أحکام الإیمان. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

۲۷- عمید زنجانی، عباسعلی. (۱۴۲۱ق). فقه سیاسی. تهران: انتشارات امیرکبیر.

۲۸- فخلعی، محمدتقی. (۱۳۹۴ش). رهیافت فقهی در حقوق بین‌الملل. مشهد: پژوهشکده مطالعات اسلامی.

۲۹- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). الکافی. تهران: دارالکتب الإسلامیه.

۳۰- گنسلر، هری (۱۳۸۷ش)، درآمدی جدید به فلسفه اخلاق، ترجمه حمیده بحرینی، تهران، آسمان خیال.

۳۱- مجلسی دوم، محمدباقر بن محمدتقی. (۱۴۰۴ق). مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول. تهران: دارالکتب الاسلامیة.

۳۲- مجلسی دوم، محمدباقر بن محمدتقی. (۱۴۱۰ق). بحار الأنوار. بیروت: مؤسسه الطبع و النشر.

۳۳- محقق حلی، جعفر بن حسن. (۱۴۰۸ق). شرائع الإسلام. قم: مؤسسه اسماعیلیان.

۳۴- مرتضوی، سیدمحمد (۱۳۷۹). حضرت علی(ع) و مخالفان سیاسی، مجله تخصصی زبان و ادبیات دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد. ۳۳(۴-۳). ۷۰۵-۷۳۶.

۳۵- مصطفوی، حسن. (۱۳۸۰ش). تفسیر روشن. تهران: مرکز نشر کتاب.
۳۶- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۶ش). فقه و حقوق (مجموعه آثار). قم: صدرا.
۳۷- مطهری، مرتضی. (۱۴۰۳ق). بررسی اجمالی مبانی اقتصاد اسلامی. تهران: انتشارات حکمت.
۳۸- معلوف، لوئیس. (۱۹۹۶م). المنجد فی اللّغة و الأعلام. بیروت: دارالمشرق.
۳۹- منتظری، حسینعلی. (۱۴۱۷ق). نظام الحکم فی الإسلام. قم: نشر سرایی.
۴۰- مهریزی، مهدی. (۱۳۷۶ش). عدالت به مثابه قاعده فقهی. نقد و نظر. ۳(۱۰)، ۱۸۴-۱۹۷.
۴۱- موسوی اردبیلی، سید عبدالکریم. (۱۴۲۷ق). فقه الحدود و التعزیرات. قم: مؤسسه النشر لجامعة المفید.
۴۲- میانجی، علی احمدی. (۱۴۱۱ق). الأسیر فی الإسلام. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۴۳- ناس، جان بایر. (۱۳۷۳ش). تاریخ جامع ادیان. ترجمه علی‌اصغر حکمت. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۴۴- هاشمی شاهرودی، سید محمود و دیگران. (۱۴۲۶ق). فرهنگ فقه. قم: مؤسسه دائرةالمعارف فقه اسلامی.